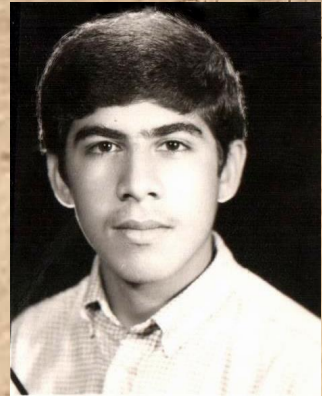


بسم الله الرحمن الرحيم

زندگی نامه شهید

قاسم بانوئی



شهید قاسم بانوئی در سال ۱۳۴۶ در بصره در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. دوران طفولیت خود را با آشنایی از خاندان اهل بیت زیر نظر پدر و مادر سپری نمود و در سال ۱۳۵۰ به جرم ایرانی بودن از طرف حکومت بعث عراق در حالیکه تنها چهار سال داشت به همراه خانواده مجبور به ترک عراق و سکونت در شهر خرمشهر گردید.

ورود وی به سال اول راهنمایی با حمله دشمنان رژیم متجاوز بعثی به ایران اسلامی مواجه گردید. در ابتدا خندماهی راد شهرستان بهمان اقامت و سپس با خانواده به مشهد مقدس مهاجرت نمودند. علی رغم اینکه تنها ۱۵ ساله بود در زندگی تجربه می کرد ولی شوق و اشتیاق فراوانی برای پیوستن به رزمندگان اسلام و دفاع از مرز و بوم کشور تمام وجودش را فرا گرفته بود. سرانجام در سال ۱۳۶۱ با جلب رضایت خانواده و با توجه به سن کم در واحد بسیج سپاه پاسداران خرمشهر ثبت نام و دوره آموزش خود را با اعزام به پادگان شهید کاظمی طی نمود و در محور پدافند خرمشهر مشغول به خدمت گردید. جسم کوچک او تحمل روح بزرگ او را نداشت و همیشه تقاضای



اعزام به خط مقدم را از مسئولین سپاه می نمود تا اینکه در اواخر بهمن ماه ۱۳۶۱ جهت شرکت در عملیات خیبر به همراه سایر برادران رزمنده جهت رویارویی با متجاوزین عازم خزار مجنون گردید. علی رغم جسم ضعیف و نینفش چنان دلاوریها از خود نشان داده که موجب حیرت فرماندهان عملیات واقع گردید. و سرانجام در همین عملیات مفقود الاثر گردید و تاکنون جسد مطهر و پاک ایشان پیدا نگردیده است.

### از خصوصیات اخلاقی شهید

عشق به رهبری و ذوب شدن در ولایت از بارزترین خصوصیات وی بود. مطیع پدر و مادر بودن و در تمامی مسائل به پهای خانواده و التزام به دین و شرع خدا، نظم و انضباط در کارها و امورت محوله و حس کجک و یاری به همه نوع خود همیشه در وجودش لبریز بود. خوش روئی و ملاحظت و صبور بودن که نشانه مومن بودن است در کردار وی محسوس بود، ایشان روحیه ورزشکاری (رزمی) را در کنار معنویات عرفانش، پرورش می داد و دارای اندامی ورزیده بود که وی را از دیگران متمایز می نمود. علاوه بر خصوصیات ذکر شده صفات صداقت، قناعت و ساده زیستی وی علی رغم اینکه در سال دوم راهنمایی تحصیل می کرد و کمتر کسی در آن سنین می توانست تمامی این صفات را یکجا در خود داشته، در وی دیده می شد. باعث می که به رهبری داشت و وجودش را در راه خدمت به ولایت وقف کرده بود، وفادار به اسلام و ایران اسلامی بود و جنگ تحمیلی او را



بی قرار در انجام تکلیف الهی کرده و با عنایت به انجام فعالیت در پایگاه بسیج شهید جهان آراء شهد مقدس و آماده شدن جهت اعزام کمی موجب آرامش خیال وی به امید رسیدن به آرزوی دیرینه که همان خدمت به رهبری و ولایت فقیه بود، می‌کشت و با وجود کم سن سال بودن از مبارزه در میادین جنگ در راه اسلام و خدمت به وطن بیچ ابائی نداشت و خود را مکلف به نگهبانی و حراست از دین و مملکت خویش می‌دانست.

کسانی که گستاخی آن را ندارند که شهادت را انتخاب کنند مرگ آنان را انتخاب می‌کند.

روحش شاد و یادش گرامی باد